

تحلیلی بر شیوه‌های مبارزه و نقش یاری‌گرایانه اصناف و بازاریان اصفهان

در پیروزی انقلاب اسلامی

مهشید سادات اصلاحی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی یکی از وقایع مهم سیاسی تاریخ ایران است که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با مشارکت اکثریت اقشار جامعه به ثمر نشست. این حرکت مهم و بنیادین به صورت پیوسته، مستمر و با تکیه بر رهبری امام خمینی صورت گرفت. بازارها به دلیل مرکزیت قطب اقتصادی شهر توانستند در فعالیت‌ها و به‌ویژه مبارزات انقلابی نقش مهمی را ایفا کنند. به‌علاوه اصناف و بازاریان با ایجاد روابط اقتصادی و پیوند با روحانیت بستر مناسبی را جهت تداوم مبارزات خود فراهم نمودند. در واقع نقش یاری‌گرایانه آنان در پیوند با مردم رقم خورد و همین عامل سبب شد تا اصناف و بازاریان در این مبارزات نقش داشته باشند. این پژوهش به دنبال پاسخی برای این سؤال است که اصناف و بازاریان از چه ابزار و شیوه‌هایی برای مبارزه با حکومت پهلوی استفاده می‌کردند؟ و نقش یاری‌گرایانه آن‌ها چه تأثیری در پیروزی انقلاب ایران داشت؟ روش کار در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی از کسبه و بازاریان اصفهان می‌باشد. فرض مهم آن است که نهاد بازار اصفهان به دلیل پیوند سنتی با مردم نقش یاری‌گرایانه‌ای در پیشبرد انقلاب اسلامی ایران داشته است. به‌گونه‌ای که حامی و پشتیبان مردم در این نهضت شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بازاریان و اصناف اصفهان ضمن حمایت از انقلاب اسلامی به شیوه‌ی اعتصاب سراسری کسبه، شرکت در مجالس و مناظر، پخش اعلامیه مضره و شعارنویسی و دستگیری و شکنجه بازاریان با رژیم پهلوی مبارزه کردند.

واژه‌های کلیدی: رژیم پهلوی، نهاد بازار، اصناف، شیوه‌های مبارزه، انقلاب اسلامی، اصفهان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
maheslahi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ نوع مقاله: پژوهشی

An analysis of the methods of struggle and the helpful role of guilds and bazaars of Isfahan and the victory of the Islamic revolution

Mahshid Sadat Eslahi¹

Abstract

Islamic revolution is one of the most important political events in history of Iran that occurred on 11 Feb 1979. It was achieved with the participation of the majority of the society members. This important and fundamental movement was carried out continuously, incessantly and relying on the leadership of Imam Khomeini. Due to the centrality of the city's economic hub, the markets were able to play an important role in the activities and especially the revolutionary battles. In addition, guilds and marketers provided a suitable platform for the continuation of their struggles by establishing economic relations and connecting with the clergy. In fact, their helpful role was established in connection with the people, and this factor caused guilds and marketers to play a role in these struggles. This research is looking for an answer to the question of what tools and methods were used by guilds and marketers to fight against Pahlavi rule? And what effect did their helpful role have had on the victory of the Iranian revolution? The working method in this research is descriptive-analytical and based on library sources, documents and oral history interviews from businessmen and Bazarian of Isfahan. It is an important assumption that the institution of Isfahan Bazaar has played a helpful role in advancing the Islamic Revolution of Iran due to its traditional connection with the people. In such a way that they became supporters and cliques of the people in this movement. The results of the research show that the bazaars and guilds of Isfahan, while supporting the Islamic revolution, fought against the Pahlavi regime in the form of a nationwide strike, participating in meetings and pulpits, distributing leaflets and writing slogans, which resulted in arresting and torturing the bazaarians.

Keywords: Pahlavi regime, market institution, guilds, methods of struggle, Islamic revolution, Isfahan.

¹. PhD student of Iran's history after Islam, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr. maheslahi@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی یکی از رخداد‌های سیاسی و اجتماعی ایران بود که علل متعددی در وقوع آن سهم بود. چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره از سوی محققان و پژوهشگران متعددی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. اما باید اذعان نمود آنچه در پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه‌بخش بود همراهی همه‌جانبه اقدار جامعه اعم از دانش‌آموزان، اصناف، روحانیون، زنان، دانشجویان و غیره بود. در واقع انقلاب اسلامی فریاد اعتراض ملتی بزرگ بود علیه ظلم، بی‌عدالتی، بی‌دینی، وابستگی، استبداد، استعمار که هم‌زمان از طرف میلیون‌ها انسان برکشیده شد (نصر، ۱۳۸۱: مقدمه). حوادث مستقیم انقلاب اسلامی، در چند مرحله صورت گرفت اما با یک خواسته و هدف و تحت رهبری جریان دینی سیاسی نهاد مرجعیت تشیع به رهبری امام خمینی شکل گرفت. تاکنون تحلیل‌های مختلفی درباره علل و عوامل مؤثر بر انقلاب اسلامی بیان شده است اما صرف‌نظر از عوامل فرهنگی و سیاسی، تأثیر نیروهای اجتماعی و اقتصادی را نباید در فروپاشی دولت پهلوی نادیده گرفت (حاضری، ۱۳۷۷: ۱۶). اصفهان از جمله شهرهایی بود که در آغاز انقلاب اسلامی از کانون‌های مهم انقلاب بود. با شروع مبارزه علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و آغاز نهضت روحانیت به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۱ ه. ش، مردم اصفهان نیز مانند سایر مردم دیگر استان‌ها به صحنه مخالفت با رژیم پهلوی وارد شدند و از آن به بعد اصفهان به یکی از مهم‌ترین کانون‌های نهضت اسلامی تبدیل شد. در شهرهای اسلامی، مرکز شهر نه تنها عهده‌دار نقش سیاسی، فرهنگی و مذهبی بود، بلکه قلب اقتصادی شهر نیز محسوب می‌شد. بازار اصفهان علاوه بر یک مرکز اقتصادی، بنیادی اجتماعی بود که به مکانی برای پیوندها و مبادلات فرهنگی - اجتماعی تبدیل شد. لذا بازار اصفهان به دلیل داشتن وجهه اجتماعی، در ساختارهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نقش بسیار مهمی را در انقلاب اسلامی ایفا نمود (شفقی، ۱۳۸۴: ۵۳).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها با همراهی یک گروه یا نهاد صورت نگرفت بلکه همه اقدار جامعه در این واقعه شرکت داشتند. نهاد بازار به دلیل پیوند سنتی با مردم از دیرباز حامی و

پشتیبان مردم بود به گونه‌ای که در ادوار تاریخی مختلف توانست تأثیرات مهمی را از خود برجای بگذارد. علاوه بر آن، میزان کمک و یاری به مردم در تأمین احتیاجات خود از امور روزمره مهم بازار و نقش اصلی آن به شمار می‌رفت. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش یاری‌گرایانه بازاریان اصفهان در شیوه‌های مبارزاتی با رژیم پهلوی است. به دلیل همراهی گروه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی بازار با مردم در وقایع گوناگون، بازار اصفهان نقش بی‌بدیلی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت، به گونه‌ای که تشریح و توضیح این مسئله ایجاب می‌کند که در پژوهش مستقلی به آن پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش در این موضوع چندان گسترده نیست و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته جنبه کلی و عام دارند. شیخی در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل و بررسی تشکل‌های سیاسی و مذهبی در اصفهان از سال ۴۲ تا ۵۷» به بررسی و چگونگی ایجاد تشکل‌های سیاسی و مذهبی در اصفهان و نحوه عملکرد آنها با استناد بر منابع کتابخانه می‌پردازد. از کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده می‌توان به اثر «نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد» (۱۳۸۱) رحیم روح‌بخش اشاره کرد که با استفاده از اسناد و گزارش‌های ساواک در مرکز اسناد انقلاب اسلامی شیوه‌های مبارزاتی بازاریان با حکومت پهلوی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. کتاب «تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان» (۱۳۸۶) از مهرعلیزاده، به نقد و بررسی نقش انقلابیون اصفهان در سال‌های نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی پرداخته است. حسین‌زاده فرمی در کتاب «تعامل روحانیت و بازار» (۱۳۹۳) با چارچوب مفهومی (کارکردگرایی) به بررسی تعامل روحانیت و بازار در دو دهه قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. علاوه بر کتاب، درباره مقالاتی که در این زمینه توسط پژوهشگران صورت گرفته است باید به این موارد اشاره کرد: ابطحی و کشتی‌آراء در مقاله «واکاوی سیر تحولات انقلاب اسلامی در شهر اصفهان در حداثی سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۷» (۱۳۹۴) به ایفای نقش چهره‌های فعال فرهنگی و مذهبی اصفهان در پیروزی انقلاب اسلامی

اشاره می‌کند. بیگی‌زاده در پژوهش «نقش مبارزاتی روحانیون، دانشگاهیان و بازاریان اصفهان از نهضت ملی تا نهضت اسلامی» (۱۳۹۴) نقش اصفهان را در تحولات معاصر ایران از نهضت ملی شدن نفت تا پایان قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ه.ش مورد ارزیابی قرار داده است. جان‌مرادی‌جو در مقاله «نقش طبقه متوسط سنتی در تحولات سیاسی ایران: مطالعه موردی دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی با نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو» (۱۳۹۸) به تحلیل نقش طبقه متوسط سنتی با تأکید بر نظریه جامعه‌شناسی می‌پردازد. مقاله «فعالیت‌های اجتماعی بازاریان در مسیر سازمان‌بخشی به انقلاب اسلامی» (۱۳۹۹) از میردار و قزل‌ایاق، بیان می‌کند که بازاریان توانستند فرآیند انقلاب را با نفوذ گسترده خود در جامعه مدنی تسهیل کنند. آدینه‌وند در مقاله «تحلیل نقش بازاریان و روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی در قزوین (مبنتی بر نظریه بسیج اجتماعی)» (۱۴۰۱) به صورت اخص به تبیین عملکرد دولایه اجتماعی بازاریان و علما با تکیه بر نظریه بسیج اجتماعی پرداخته و علت تداوم پیروزی انقلاب را تشریح کرده است.

پژوهش حاضر، ضمن توجه به تحقیقات صورت گرفته درصدد آن است که نقش یاری‌گرایانه بازاریان اصفهان و شیوه‌های مبارزاتی آنان را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. تفاوت این مقاله با پژوهش‌های پیشین این است که نگارنده برای گردآوری منابع جهت تحلیل داده‌ها از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی جدید و اسناد بهره گرفته است لذا موضوع پژوهش از این منظر نو و بدیع می‌باشد.

۱- مفهوم نهاد بازار

بازارها به دلیل محور ارتباطی و متصل بودن به فضای شهری علاوه بر کارکرد اقتصادی، در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفای نقش نمودند. برای تبیین این مسئله ابتدا باید تعریف دقیق و روشنی از بازار به دست آورد. بازار «منطقه معینی، در دست مجموع افراد خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، به‌تنهایی یا گروهی دادوستد می‌کنند» (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۲: ۳۰۶). در تعریف بازار گروتیس باخ اشاره

می‌کند که بازار مهم‌ترین مرکز حل و فصل‌های سیاسی و تحرک‌های مذهبی نیز هست. این مرکز همان‌طور که شهر را زیر چتر خود دارد، به اوضاع ولایات و محل وقوع رویدادها نیز مسلط است (گروتیس باخ، ۱۳۶۸: ۱۸۷).

درواقع بازار به مفهوم حقیقی‌اش مجموعه از دکان‌هایی است که توسط فضایی سرپوشیده به یکدیگر وصل می‌شوند و به عبارتی دیگر، گستره‌ای گوناگون از معانی را از اعتبار تا قدرت، از شایستگی تا رونق، از آراستن تا زد و خورد کردن و خود جلوه‌دادن دربر می‌گیرد (فلامکی، ۱۳۷۱: ۷۱). اما در تعریف کامل‌تر و جامع‌تر «بازار مرکز شهرهای اسلامی، کانون به‌هم‌پیوسته بازرگانی و دادوستد کلی و جزئی، صنعتگری، پیشه‌وری و سایر فعالیت‌های اقتصادی، از جمله مرکز اصلی ستاد هدایت، سازمان‌دهی و نظارت اقتصادی، از جمله سرمایه‌گذاری، پرداختن به امور مالی و اعتباری سنتی در نظام سرمایه‌داری بهره‌بری است. به لحاظ همین همبافتگی و کلیت خود، بازار محور مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، در چارچوب هیئت‌های مذهبی، در زندگی شهری است» (مؤمنی، ۱۳۷۳: ۲۰۹).

تجار و کسبه قدیمی به دلیل استحکام و اعتبار مادی از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار بودند. در حقیقت بازار انبار غله، کارگاه، مرکز دادوستد، بانک، کانون مذهبی و مرکز تعلیم و تربیت کل جامعه بود (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۱۱۲). البته تخصصی بودن بازارها نیز خود عاملی مهم در پیدایش اتحادیه‌های صنفی است که به نام «اصناف» معروف است و آن عبارت است از گروهی مردم شهرنشین که کسب و حرفه واحدی داشته، از میان خود رئیس برمی‌گزینند و وظایف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند (فلور، ۱۳۶۵: ۳۲). تجمع اصناف عموماً در بازار شکل می‌گیرد و روابط اقتصادی به صورت متمرکز در این مکان ایجاد می‌شود. ساختار اصلی شهر اصفهان بر محور بازار استوار بوده و بازار قلب تپنده شهر را ساخته است. بازار زندگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی را به عهده دارد و با شبکه‌ای از دسترسی‌های بسیار منظم، تمام عناصر شهری را به نحوی دربر گرفته است. در حقیقت، شهر اصفهان بر روی محوری استوار است که بازار، آن را تشکیل می‌دهد و همین مکان جغرافیایی به علت تمرکز فعالیت اقتصادی و مبادلات

اجتماعی به وجود آمده است. این حرکت به بازار هویت خاصی بخشیده است و بی‌دلیل نیست که اغلب نویسندگان، ساختار شهری را مبتنی بر اصول سازوکار بازار می‌دانند (عابدین درکوش، ۱۳۶۴: ۴۰).

بازار اصفهان در طول تاریخ همواره محل برخورد عقاید و افکار مختلف و مرکز فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی بوده است. با اینکه بازار به‌منزله یک اجتماع بزرگ تلقی می‌شود و اهداف مشترکی را این خانواده بزرگ دنبال می‌کند، اما اعضای آن از نظر اجتماعی، سیاسی و مذهبی خود را منتسب به یک گروه خاص می‌دانند (شفقی، ۱۳۸۴: ۳۸۴). دکان‌ها و حجره‌ها به‌صورتی بود که بازاریان به‌راحتی با یکدیگر درباره مسائل روز گفت‌وگو و مباحثه می‌کردند. بازار به دلیل پیوند با مردم نقش اساسی در یاری‌نمودن آنها در مسائل مختلف داشت. آنچه اهمیت دارد نحوه کمک و یاری به افراد جهت ایجاد یک رخداد در بستر اجتماعی است. اگرچه بازار کارکرد قدیمی خویش را از دست نداده و پیوسته برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر باهم در ارتباط‌اند. تکیه اصلی این پژوهش با توجه به نقش بازاریان در انقلاب اسلامی به‌طور عام اصناف و به‌خصوص بازار اصفهان است. در واقع بازار پیوستگی جدانشدنی با اصناف دارد و همین عامل سبب شد تا اصناف گرداگرد این میدان در تحولات مختلف تاریخی ایفای نقش کنند.

۱/۱- شیوه‌های مبارزه بازاریان اصفهان در مقابل رژیم پهلوی

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش، تأثیری مهم بر فعالیت گروه‌های مبارز مختلف جامعه داشت. شهر اصفهان نیز در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ به دلایل مختلف و از جمله بافت مذهبی و سنتی آن یکی از عمده‌ترین کانون‌های شکل‌گیری و فعالیت گروه‌ها و سازمان‌ها مبارز مذهبی در ایران بود (شیخی، ۱۳۷۵: ۱۵۴). بنابراین شناخت انگیزه‌های هر انقلاب از گام‌های مهم در فهم و درک آن تحول اجتماعی محسوب می‌شود چرا که آرمان‌ها و تحولات انقلابی در دوران مبارزه و قانون اساسی و ساختارهای بعد از پیروزی در چارچوب این انگیزه‌های قابل‌تغییر خواهد بود

(نصر، ۱۳۸۱، ج ۲: ۷). در فرآیند یک انقلاب، علل گوناگونی تأثیرگذار است. این عوامل عمده-ترین عامل وقوع انقلاب‌اند. تحلیل‌های پژوهشگران و محققان نشان می‌دهد که وقوع انقلاب اسلامی را نمی‌توان به یک عامل نسبت داد بلکه ترکیب عوامل مختلف در این فرآیند تأثیرگذار بودند که هر کدام از آنها می‌بایست میزان تأثیرگذاری آن جداگانه بررسی و تحلیل شود. اصناف و بازاریان به‌عنوان یک طیف وسیعی از جامعه در نقش یاری‌گرایانه خود در این وقوع نقش اساسی داشتند که در ادامه به شیوه‌های مبارزاتی آنها خواهیم پرداخت.

۱- اعتصاب سرتاسری کسبه

با انتشار خبر تبعید آیت‌الله خمینی، موج اعتراض و مخالفت سراسر کشور را فراگرفت و اعتصابات به‌صورت گسترده‌نهایی شد. در صورت‌جلسه شورای امنیت استان در ۱۴ آبان ۱۳۴۳ که برای جلوگیری از بازتاب‌های خبر تبعید امام در استانداری اصفهان تشکیل گردید قید شده است که:

«به منظور پیش‌بینی‌های احتیاطی درباره بررسی انعکاس خبر تبعید آیت‌الله خمینی و اتخاذ تدابیر لازم با حضور تیمسار معاونت مرکز توپخانه پادگان اصفهان و امضاکنندگان زیر در دفتر جناب آقای استاندار تشکیل و تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. وضع بازار وسیله ریاست ساواک و کفالت شهربانی تشریح و نتیجه گرفته شد که فعلاً مغازه‌ها باز بوده و بایستی از طرف شهربانی پیش‌بینی‌های لازم به عمل آید. کفالت شهربانی اظهار داشته که طبق طرحی دستورات لازم در این باره به کلاتری‌ها داده شده است»
(روحانی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۵).

رژیم پهلوی فهمیده بود که اگر خبر تبعید امام خمینی در بین مردم پخش شود آنان آرام نخواهند بود و تحرکاتی علیه دولت انجام خواهند داد. بازاریان و کسبه نیز به‌عنوان اصناف پرنفوذ و تأثیرگذار با این خبر باهم متحد و به نشانه مخالفت اعتصاب کردند. این اعتصاب

به صورت سراسری در بازار صورت گرفت. این عمل به صورت یک شیوه مبارزاتی در بین آنان جا افتاده بود زیرا در فواصل مختلف زمانی و تا پیروزی انقلاب اصناف از این روش استفاده می‌کردند. به طور مثال حدود چند ماهی همین که شاه را می‌خواستند بیرون کنند مغازه‌ها به نشانه اعتصاب بسته بود و قفل‌ها هم زنگ زده بودند. همچنین، علامت ضربدر روی مغازه می‌کشیدند که این دکان‌ها اعتصاب کردند برای همین نتوانستند کاری انجام دهند (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۱). یا علامت یا ضربدر می‌گذاشتند یا قفل می‌شکستند (حنایی، ۱۴۰۰: مصاحبه). هدف رژیم از پاشیدن رنگ قرمز بر روی درب دکان‌ها، ایجاد رعب و اضطراب در جامعه بود. به این دلیل که می‌خواست واکنش و اعتقاد را ارزیابی کند اما این رفتارها تأثیری بر مردم نداشت. علاوه بر آن در یک مقطعی دیگر رژیم متوجه شد که دیگر از پس این کارها بر نمی‌آید (رضازاده، ۱۴۰۰: مصاحبه). این رفتار حساسیت ساواک را نسبت به این موضوع بیشتر کرد. طبق داده‌های تاریخ شفاهی، کشیدن علامت ضربدر در روز اعتصابات بر دکان‌ها برعهده ساواک بود (نم نبات، مصاحبه: ۱۴۰۰). آنان از این طریق، آمار کسبه اعتصابی را به فرمانداری نظامی اصفهان اعلام می‌کردند.

«اعلامیه شماره ۳ فرمانداری نظامی شهرستان اصفهان و حومه

۱۳۵۷/۵/۲۱

به طوری که در اعلامیه‌های قبلی فرماندار نظامی شهرستان اصفهان و حومه به اطلاع اهالی محترم اصفهان رسید کلیه دکاکین و مغازه‌ها بایستی در تمام ساعات روز باز و برای رفع نیازمندی‌های مردم آماده باشند و هیچ‌یک از مغازه‌داران به هیچ‌وجه مجاز نیستند دکان‌های خود را تعطیل کنند. چنانچه کوچک‌ترین بی‌توجهی در این مورد مشاهده گردد با مغازه‌داران خاطی برابر مقررات ماده ۵ فرمانداری نظامی رفتار و دادگاه‌های نظامی به وضع آنان رسیدگی خواهد کرد. انتظار دارم اهالی محترم و باایمان شهر اصفهان در تسهیل رفاه عموم و برقراری نظم و

آرامش از هیچ کوششی دریغ نفرمایند. فرماندار نظامی اصفهان و حومه سرلشگر ناجی» (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۱۵۸).

آمار اعتصاب سرتاسری کسبه روزه‌روز بیشتر می‌شد و فرمانداری نظامی اصفهان نیز با انتشار اعلامیه‌های متعدد آنان را تشویق می‌نمود که دکان‌های خود را باز کنند و مایحتاج آنان را فراهم سازند. اما باین‌حال اتحاد و همبستگی آنان نگذاشت که این رشته جدا شود. همان‌طور که در گزارش ساواک نیز مشهود است در ماه مرداد ۱۳۵۷ بیشتر مغازه‌های بازار و خیابان‌ها تعطیل بود. سازمان اطلاعات و امنیت کشور در ۲۱ مرداد ۱۳۵۷ گزارش می‌دهد که تعدادی از مغازه‌های خیابان‌ها و کلیه مغازه‌های بازار بسته است (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۱۶۲).

اگرچه رویکرد بازاریان برای مخالفت با رژیم پهلوی در قالب اعتصاب نمود پیدا کرد اما باین‌حال نقش یاری‌گرایانه آنان مانع از آن شد که افراد در این روش مبارزاتی دچار مشکل شوند. بنابراین اصناف و بازاریان با روش‌های دیگر مایحتاج مردم را فراهم می‌کردند. حدود دو سه ماه مانده به پیروزی انقلاب که اصناف در یاری با یکدیگر به‌صورت کل اعتصاب کردند و بازار تعطیل شد، ارزاق مردم به‌وسیله تعاونی‌های محلی تأمین می‌شد (شیرانی بیدآبادی، مصاحبه: ۱۴۰۰). البته اعتصاب بازار در بخش تأمین ارزاق مردم خللی وارد نکرد. هرکسی بر اساس توانی که داشت پول، ارزاق و نفت نیازهای خانواده‌ها را تأمین می‌کرد. اتفاق در بین مردم و بازاریان وجود داشت و این برنامه‌ای بود که بازار در ماه‌های منتهی به انقلاب شش ماه تعطیل بود انجام گرفت تا انقلاب به وجود بیاید (صباغ زاده، مصاحبه: ۱۴۰۰). یاری و کمک‌رسانی به هم‌نوع در این برهه زمانی سبب شد تا این حس به وجود بیاید که اصناف حمایت خود را از مردم همچنان انجام می‌دهند و تمام تلاش خود را می‌کنند تا خللی در این رابطه برای آنان به وجود نیاید. همان‌طور که در موارد فوق یاد شد، رژیم پهلوی خیلی مصرانه از اعتصاب قبل از انقلاب هم جلوگیری می‌کرد. در واقع نمی‌گذاشت که سروصدایی بشود و تحصن انجام شود (صباغ‌زاده،

مصاحبه: ۱۴۰۰). البته بعضی از دکان‌ها به دلیل تهدیدهایی که توسط رژیم انجام می‌شد، مجبور شدند دکان‌های خود را باز کردند (نباتی‌نژاد، مصاحبه: ۱۴۰۰).

روحانیت نیز با بازار همگام بود به طوری که از مدرسه چهارباغ حرکت می‌کردند تا جلوی مغازه بازاریان، و دستور می‌دادند که راهپیمایی است و بازارها بسته شوند (حنایی، ۱۴۰۱: مصاحبه). اما باین حال بازاریان به اعتصاب خود پایان ندادند و فرمانداری نظامی اصفهان و حومه طی اعلامیه-ای به بازاریان و مغازه‌داران ضمن قدردانی از تأمین مایحتاج مردم در ماه رمضان، هشدار می‌دهد که به عناصر اخلاک‌گر جامعه تکیه نکنید و مغازه‌های خود را باز کنید. در غیر این صورت طبق قوانین و مقررات، دادگاه‌های نظامی برای بازاریان تشکیل خواهد شد (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۱۸۹). اما هم‌دستی و همراهی بازاریان نگذاشت که رژیم پهلوی حرف خود را بر کرسی بنشانند و آنان را مجبور کند که طبق قوانین حکومت رفتار کنند.

بازاریان اصفهان جزو نخستین اصنافی بودند که در این مخالفت با همبستگی و معاونت یکدیگر دکان‌های خود را تعطیل نمودند. آنچه اهمیت داشت حمایت بی‌چون‌وچرای بازاریان دیگر شهرها از بازاریان اصفهان بود. در پی تعطیلی بازار پیشه‌وران و بازرگانان اصفهانی مقیم تهران اعلامیه زیر را صادر کرده و با تعطیلی بازار اصفهان همدردی و همراهی نمودند:

«۲۸ دی ماه سال ۱۳۵۶ فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً

بازاریان مبارز مسلمان ایران!

جامعه مبارز روحانیت سالیان دراز است با سرسختی همه‌جانبه در قبال استبداد ایستادگی نموده است. فاجعه دلخراش کشتار مسلمانان بی‌دفاع در شهرستان قم و ایراد تهمت و افترا به مرجع عالی‌قدر تشیع حضرت آیت‌الله العظمی حاج‌آقا روح‌الله خمینی و بی‌حرمتی به احکام اسلامی و تبعید و زندان کردن آیات عظام و حجج‌اسلام نمونه بدکرداری حکومت جابر ایران است. مردم مسلمان شهرستان اصفهان به شدت از این همه توهین به مراجع عالی‌قدر تقلید و کشتار مسلمانان پاک‌نهاد اعتراض نموده نخست بازار و سپس تمام شهر یکپارچه به حالت تعطیل عمومی درآمده

است. ما بازرگانان و پیشه‌وران اصفهان مقیم مرکز نیز با شرکت در تعطیل عمومی روز پنج‌شنبه ۵۶/۱۰/۲۹ بازار تهران همدردی خود را به جامعه روحانیت اعلام و نسبت به کشتار فجیع مردم بی‌گناه شهرستان قم ابراز نفرت می‌نماییم

بازرگانان و پیشه‌وران اصفهان مقیم مرکز» (دوانی، بی‌تا، ۴۱/۷)

بازارهای شهرهای دیگر یک به یک به این موج پیوستند به طوری که روزنامه رسالت در اخبار خود نوشته بود که «بازارهای برخی از شهرها از جمله اهواز، اصفهان، مشهد، شیراز به صورت تعطیل یا نیمه‌تعطیل درآمد. تظاهرات پراکنده هم در بازارها و بعضی از خیابان‌ها صورت گرفت و در آن کم‌وبیش شعار مرگ بر شاه هم داده شد» (روزنامه رسالت: ۲۸). این روند سبب شد تا بازاریان مناطق دیگر نیز تبعیت کنند و باهم همگام شوند. مردم اصفهان نیز هم‌پای دیگر شهرها به تعطیل نمودن بازارهای خود پرداختند. بازار تهران نیز با الگو گرفتن از بازار اصفهان تعطیل شد و این مسئله در گفتار امام نیز نمود پیدا کرد: «ملت بیدار شده، مردم بیدار شدند، اگر مردم بیدار نبودند که بازارها را این‌طور نمی‌بستند، روز پنج‌شنبه از قراری که هم نقل شده و هم مقامات اطلاعات رسمی اطلاع داده‌اند بازار تهران اعتراضات تعطیل شده، مصالح تعطیل بازار تهران یک امر عادی نیست. یک امر خلاف عادت است. هیچ‌کس نمی‌تواند این کار را بکند. این احساسات و بیداری ملت است که این کار را انجام داده، این آقا که می‌گفت «همه با من موافق هستند» این بازار تهران، آن هم بازار اهواز، آن هم اصفهان، آن هم شیراز» (رسالت، ص ۸). علی دوانی در کتاب خود درباره تعطیلی بازار اصفهان و دیگر شهرها بیان می‌کند که «بازار تهران، اصفهان، مشهد و شیراز و بسیاری از مغازه‌داران خیابان‌ها در تهران و شهرستان‌ها برخی تا دو ماه و چهارماه تعطیل بود» (دوانی، بی‌تا، ۱۴۸/۹). بازار به وسیله اطلاع‌رسانی و پیام‌هایی که از طریق تکثیر کردن می‌رسید تعطیل و بسته می‌شد. البته گفته شده که اصل آن پیام‌ها از ناحیه بعضی از علما از قم برایشان آورده می‌شد.

از سال ۱۳۵۶ که قضیه شهادت حاج آقا مصطفی پیش آمد اعتصاب‌ها شروع شد و دیگر تبریز و بعد قم و اصفهان و پشت سر هم هفتم و چهلم، شدت گرفت. حمایت و پشتیبانی بازاریان هم

سبب شد که این نقش پررنگ‌تر شود. البته تا مهرماه ۱۳۵۷ که به‌طور کلی بازار بعد از این قضیه بسته شد و دیگر بازار تا پیروزی انقلاب باز نشد (حجه فروش، مصاحبه: ۱۴۰۰). به گزارش ساواک نیز از صبح روز ۵۷/۶/۱۸ تعدادی از مغازه‌های بازار اصفهان به تدریج بسته شد. اما در خیابان‌ها و شهرهای دیگر مغازه‌ها باز بود (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۳۵۲). در روزهای بعد این گزارش‌ها برای ثبت آمار به‌صورت روزانه نوشته می‌شد به‌طور مثال «مغازه‌های بازار اصفهان از صبح روز ۵۷/۶/۱۹ بسته بود و در خیابان‌ها نیز تعدادی مغازه‌دار با تأسی از بازاریان مغازه‌های خود را تعطیل نمودند» (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۳۵۷). البته این روند در روز بعد نیز ۵۷/۶/۲۰ ادامه داشت و اکثر مغازه‌های بازار اصفهان تعطیل بود (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۳۶۶). طبق اسناد منتشرشده، تعطیلی و اعتصاب بازاریان به تدریج صورت گرفت اما در ماه‌های پایانی پیروزی انقلاب اسلامی شدت گرفت و پیوسته و دائمی این روند ادامه داشت. این حرکت دیگر برای رژیم پهلوی خوشایند نبود تا جایی که سرلشکر رضا ناجی فرماندار نظامی اصفهان و حومه طی اعلامیه‌ای در ۵۷/۶/۲۴ از مغازه‌داران و بازاریان خواهش نمود تا با باز نگه‌داشتن مغازه‌ها و دکاکین به اقتصاد اصفهان تحرک و به چهره شهر خود آراستگی و سرزندگی ببخشند (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۳۹۷). اما رژیم پهلوی متوجه شد که بازاریان از این اقدامات واهمه‌ای ندارند و در مساعدت به مردم نیز کوتاهی نمی‌کنند و همچنان بر ارزش و آرمان‌های خود پایبند هستند.

اتحاد و همراهی بازاریان اصفهان در این مسئله نسبت دیگر مؤلفه‌ها نمود بیشتری داشت، به‌طوری‌که همه در این امر سهیم بودند و این همبستگی سبب نتیجه‌بخش بودن آن شد. روزنامه رسالت نیز تعطیلی بازار اصفهان را در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به این صورت روایت نمود که «به همت مردم به‌پاخواسته تحت رهبری امام و با هدایت روحانیت مبارز در روز ۲۹ بهمن حماسه‌ای عظیم تولد یافت. اصفهان قسمت عمده‌اش بست و بازارش تا یک هفته اعتصاب

داشت» (روزنامه رسالت: ۸). در واقع یکپارچگی و توافق نظر در بین کسبه بازار اصفهان موجب گردید تا این دوستی و حمایت در لحظه آخر نیز برقرار باشد و به پیروزی انقلاب اسلامی بینجامد.

۲- تهیه و پخش اعلامیه مضره

اعلامیه‌ها به‌عنوان یک آگاهی‌نامه در پخش اخبار نقش مهمی را در رخدادهای گوناگون ایفا کردند. در پیروزی انقلاب اسلامی نیز اعلامیه‌ها در تسریع پخش اخبار بین مردم و اصناف مؤثر بودند. در سال‌های پایانی دولت پهلوی، پخش اعلامیه با هم‌دستی افراد گوناگون برای اطلاع‌رسانی و اخبار به مردم به‌طور گسترده‌ای انجام شد. آنچه در این باره اهمیت داشت مخفی و پنهان بودن نحوه تکثیر و پخش آن بود. بیشتر اعلامیه‌ها در بازار اصفهان به‌صورت مخفی چاپ می‌شد و افراد نیز از این دستگاه چاپ اطلاعی نداشتند (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۰). علاوه بر آن، شب تا صبح مخصوص چاپ اعلامیه با دستگاه کپی بود (معمار ذکری، ۱۴۰۰: مصاحبه). زنان نیز با روحیه یاری و حمایت‌نمودن از آنان با بازاریان در پخش اعلامیه همکاری می‌کردند. البته آن طور که نقل شده به‌صورت مخفیانه در لباسشان جاسازی می‌کردند و در زمان مقرر آنها را پخش می‌کردند.

«اعلامیه‌ها را از جاهای مختلف دریافت و با چند زن برای پخش آن از قبل هماهنگ می‌شد. اعلامیه‌ها را تا شده به زنان تحویل می‌دادیم و آنان در سینه‌هایشان مخفی می‌کردند. از قبل هماهنگ می‌شد که در زمان نماز وقتی که این صف آخری‌ها (آقایان) گفتند «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» تا گفتند سین سلام را بگویند اینها را بردارید پخش کنید پایین. زنان چون در شبستان بالای مسجد نماز می‌خواندند و اعلامیه‌ها از این طریق پایین ریخته می‌شد و معلوم نمی‌شد که چه کسی آنها را پخش کرده است» (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۰).

به‌طور معمول شب‌ها برای پخش اعلامیه در نظر گرفته می‌شد (نم نبات، مصاحبه: ۱۴۰۰). «نیروهای انقلابی شب‌ها می‌رفتند اعلامیه پخش می‌کردند و در کنار آن شاعرانویسی هم انجام

می‌دادند» (شیرانی بیدآبادی، مصاحبه: ۱۴۰۰). پخش و توزیع اعلامیه‌ها با استقبال خوب و گسترده‌ای روبه‌رو می‌شد. اما اگر یکجا می‌افتاد با ترس‌ولرز آنها را قایم می‌کردند که دچار دردسر نشوند. درواقع رسانه‌ای جز اعلامیه نبود که مردم از وقایع آگاهی پیدا کنند (نباتی نژاد، مصاحبه: ۱۴۰۰). اعلامیه‌ها در تیراژ بالا مثلاً دویست، سیصد برگه، چهارصد برگ چاپ می‌شد. البته این اعلامیه‌ها تهران هم می‌رفت. حوزه علمیه اصفهان هم در این امر دخیل بود. در بازار هم دست همه پخش می‌شد (حنایی، ۱۴۰۰: مصاحبه). اگر تعداد اعلامیه‌ها زیاد بود در پیراهن جاسازی می‌شد (معمار ذکری، ۱۴۰۰: مصاحبه).

اعلامیه‌ها با طیف وسیعی از جامعه در ارتباط بود و جامعه نیز از آن استقبال می‌کرد. اداره شهربانی اصفهان برای کنترل اوضاع بر آن بود تا اعلامیه‌های مضره را سریع جمع‌آوری کند. البته منزل افراد بانفوذ و به‌خصوص روحانیان در اصفهان نیز شعارها و اعلامیه‌هایی برای پخش تهیه می‌شد که طبق اسناد در سال ۱۳۵۷ مأموران از داخل منزل حاج حسین خادمی تعدادی اعلامیه مضره کشف و تعدادی از شعارهای نوشته‌شده را روی مقوا و پارچه و یک عدد عکس خمینی جمع‌آوری کردند (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۱۴۱). روحانیون نیز در این امر با مردم همراهی نمودند و این روحیه دوستی و کمک چنان در بین آنان ایجاد شده بود که نگذاشتند از سوی رژیم حتی خللی بر آنها وارد شود. توزیع اعلامیه‌ها به‌طور معمول محرمانه و مخفیانه بود اما اکثر این کارها به‌واسطه بازاریان و با معاونت آنان انجام می‌شد. بعضی اوقات این اعلامیه‌ها را زیر کتاب، بین کتاب و قرآن، زیر کیک و شیرینی می‌گذاشتند. قرآن را هم در بین مردم توزیع می‌کردند. درواقع به هر طریقی که می‌توانستند افرادی را در برنامه همراهی انقلاب شرکت می‌دادند و این اعلامیه‌ها را توزیع می‌کردند (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۱). ایجاد روحیه کمک و یاری در این امر در بین بازاریان به گونه‌ای دیگر بود. آنان برای پخش این اعلامیه‌ها از روش‌های گوناگون استفاده می‌کردند. تهیه جنس‌ها برای بازاریان از سهراب حاجب‌الدوله، سهراب حاجی حسن، سهراب مشیر و چهارسو کوچک

انجام می‌شد. اعلامیه‌ها را در قوطی‌های بیست سانت و سی سانت خرازی جای می‌دادند و برای سفارش به جاهای مختلف ارسال می‌شد (حجه فروش، مصاحبه: ۱۴۰۰).

در کنار اعلامیه‌ها، نوارها و کاست‌های سخنرانی نیز برای آگاهی در بین افراد توزیع می‌شد. «نوارها اکثراً از دکتر شریعتی و امام خمینی بود و اغلب در خانه‌ها تکثیر می‌شد. اعلامیه و نوارها در داخل جوراب‌ها پنهان و جابه‌جا می‌شد و ساواک نیز شک نمی‌کرد (شیرانی بیدآبادی، مصاحبه: ۱۴۰۰). بعضی از اعلامیه‌ها را جلوی درب کارخانه یا در قسمت جامه‌ری مساجد می‌گذاشتند (شیرانی بیدآبادی، مصاحبه: ۱۴۰۰). این گزارش‌ها به صورت روزانه توسط مأموران ثبت می‌شد. شهربانی اصفهان در سال ۱۳۵۷ به سازمان اطلاعات و امنیت استان گزارش می‌دهد که ده برگ اعلامیه مضره توسط مأموران مربوطه در سطح شهر کشف شده است (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۶۹).

توزیع اعلامیه‌ها در ماه‌های پایانی بیشتر شد تا جایی که در ماه‌های آخر سقوط رژیم در اکثر کوچه‌های اصفهان انواع مختلف اعلامیه مضره پخش می‌شد و عوامل اخلاک‌گر در این کار بیشتر شده بودند (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۲۹۵). شعارنویسی نیز در کنار اعلامیه توسط افراد انجام می‌شد. شعارنویسی به چند صورت بود. یک نفر شابلون درست می‌کرد. نفر دیگر اسپری می‌پاشید، یکی دیگر قلم رنگ می‌کشید. اگر حوصله داشتند و امکانش بود با قلم نیز شعارها را می‌نوشتند. شعارها تنها منحصر به یک عنوان نبود بلکه شعارها به حرکت انقلاب جهت می‌داد و مردم را به یک سمت و سویی که اهداف برنامه بود هدایت می‌کرد (رضازاده، ۱۴۰۰: مصاحبه). در واقع بازاریان اصفهان از روش‌های گوناگون برای توزیع اعلامیه‌ها استفاده می‌کردند که درعین حال همراهی و کمک مخفیانه افراد با یکدیگر در این شیوه مؤثر بود.

برپایی مجالس به مناسبت‌های گوناگون خصوصاً در نواحی پرجمعیت و صاحب‌نفوذ توانست تأثیر بسزایی بر آگاهی اصناف و بازاریان بگذارد. منبر به‌عنوان یک رسانهٔ جمعی در اقناع و برانگیختن احساسات مردم نقش مؤثری داشت. خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که توسط افراد انجام می‌شد در روزهای پایانی شدت گرفت و به اوج رسید و منابر حال و هوای دیگری پیدا کردند. «سخنرانی‌ها و برپایی منابر نیز بیشتر به بحث در مورد ۱۹ دی قم اختصاص داشت و سراسر حمله به طاغوت بود، به‌خصوص در مجالس ختم برای شهدای این روز که در اکثر شهرها برقرار می‌گردید. در مشهد و تبریز و اصفهان و برخی شهرهای دیگر نیز ناآرامی‌ها در حال گسترش بود. بازارهای شهرهای بزرگی چون اهواز، شیراز، اصفهان هم تعطیل شد و این بر عصبانیت و دیوانگی رژیم افزود» (رسالت، ۸). ساواک خیلی مصراانه علیه برنامه‌ها کار می‌کرد و نمی‌گذاشت انقلابیون به راحتی در فضای جامعه تبلیغات انجام دهند. علاوه بر آن از تشکیل جلسات و سخنرانی‌ها جلوگیری می‌کرد (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۱). اغلب سخنرانی‌ها و منبرهایی که برپا می‌شد در مکان‌هایی صورت می‌گرفت که همواره محل تجمع افراد بود. مدرسه چهارباغ، مسجد حاج رسولی‌ها (مسجد آیت‌الله خادمی) از جمله مکان‌هایی بود که به‌واسطه افراد برجسته سخنرانی در آنجا برگزار می‌شد. بازاریان اصفهان نیز در گوشه و کنارهای شهر نیرو و افراد برجسته‌ای داشتند که به‌وسیله موتور، اخبار و تصمیم‌گیری‌ها را به دیگران اطلاع می‌دادند (موسوی، مصاحبه: ۱۴۰۰). این کمک در جهت همراهی مردم و اصناف با یکدیگر بود. اگرچه خود اصناف نیروهای خود را داشتند که از این طریق اطلاعات را به مردم منتقل کنند اما باز هم اگر مساعدت مردم در این امر نبود این همراهی صورت نمی‌گرفت. برای مثال بعضی از اصناف برای کمک، سخنرانی‌های افراد شاخص را در نوار ضبط و آنها را بین مردم پخش می‌کردند (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۰). حضور در مجالس تنها در مکان خاصی صورت نمی‌گرفت. در بعضی اوقات جلسات به‌صورت هفتگی و در خانه‌ها به منظور آگاه‌نمودن افراد به انقلاب، ایستادگی امام خمینی برگزار می‌شد (رمضان معمار (ذکری)، مصاحبه: ۱۴۰۰). یا در مواردی دیگر نوارهای امام را ضبط می‌کردند و می‌گذاشتند داخل خانه، مردم هم جمع بودند و گوش

می‌دادند. بعد هم در را باز می‌کردند همه می‌رفتند (شکریان، ۱۴۰۰: مصاحبه). نمود نقش یاری‌گرایانه اصناف و بازاریان را می‌توان در این امر دید که آنان علاوه بر فعالیت‌شان در بازار، همراهی خود را در برپایی جلسات و نوارها و سخنرانی‌های مرتبط با افراد شاخص را توزیع می‌کردند و آنها را از این امر آگاه می‌نمودند.

۵- دستگیری و شکنجه گسبه

عوامل گوناگونی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشت که هرکدام از آنها با توجه به نوع خود مهم و تأثیرگذار بودند. سازمان اطلاعات و امنیت کشور با توجه به نقش سرکوب‌گرانه خود، سعی در دستگیری و شکنجه افراد را داشت تا جایی که هرچه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می‌شد این عمل شدت می‌گرفت.

تعطیل نمودن دکان‌ها و اعتصاب سرتاسری با همراهی دیگر بازاریان سبب شد تا شهربانی تعدادی از کاسبان را جهت تحریک دیگر بازاریان دستگیر کند. شهربانی اصفهان گزارش می‌دهد که تعداد نه نفر از بازاریان اصفهان به فرمانداری نظامی اصفهان احضار و چون به دستور فرماندار نظامی در مورد باز نمودن مغازه‌های خود تمکین ننموده بودند طبق ماده ۵ بازداشت گردیده‌اند» (روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۳۷۴). بازاریان اصفهان نیز با توجه به شرایط بحرانی و دگرگون جامعه دستگیر و مورد شکنجه ساواک قرار گرفتند. شکنجه‌ها دارای روش‌های گوناگونی بود به طوری که «می‌بردنشان توی این سازمان امنیت خدا می‌داند چقدر شکنجه بهشان می‌دادند. چقدر می‌زدند. چقدر ناخن‌هایشان را می‌کشیدند. چقدرها را شهید کردند توی همین زندان‌ها و مخفیانه می‌گرفتند سیاسی سوار هواپیما، هلیکوپتر می‌کردند توی دریاچه می‌ریختندشان که اینها خبرهایش می‌آمد برای مردم» (اعتصامی، مصاحبه: ۱۴۰۰). رادیو بی‌بی‌سی خبرها و تمام انعکاس فعالیت‌های انقلاب را به صورت کامل پخش می‌کرد. بعد از آن اخبار دهن‌به‌دهن بین مردم می‌گشت و همه متوجه آن می‌شدند (رضازاده، ۱۴۰۰: مصاحبه).

بازاریان اصفهان از این اخبار و اطلاعات بی‌بهره نبودند. یکی از بازاریان نقل می‌کند «در این بین دیر ازدواج کردم، چون اکثراً در زندان بودم و شکنجه می‌شدم» (موسوی، مصاحبه: ۱۴۰۰). اصناف در این امر عقب‌نکشیدند و تا جایی که توانستند با مردم مساعدت نمودند که هر چه زودتر به اهداف خود برسند. شکنجه توسط حکومت به صورت محرمانه و مخفی انجام می‌شد. افراد را می‌بردند شکنجه می‌کردند، شکنجه می‌دادند تا آن نفسِ آخر طرف را یک وقت به کشتن می‌دادند. شکنجه‌ها خیلی شدید بود. درواقع به این جهت از بین رفتند (صباغ‌زاده، مصاحبه: ۱۴۰۱). آنچه برای رژیم پهلوی دارای اهمیت بود مخفیانه نگه‌داشتن این اطلاعات از مردم و جامعه بود. این رفتار سبب می‌شد تا افشای اسرار و اطلاعات اتفاق نیفتد و همین عامل در به وجود آمدن رعب و وحشت در بین مردم بی‌تأثیر نبود. اما مردم همگی دست به دست یکدیگر دادند تا این رشته قطع نشود. تبعیت و پایداری مردم و در کنار آن مساعدت بازاریان با آنها برای به ثمر نشستن انقلاب مثال‌زدنی است. چه خون‌دل‌ها خورده شد. چه زن‌هایی بیوه شدند. چه بچه‌هایی یتیم شدند. چه افرادی توی زندان‌های ساواک شکنجه دیدند تا این انقلاب پیروز شد (رضازاده، ۱۴۰۰: مصاحبه). اکثر بازاریان بر این باور بودند که مقاومت و ایستادگی می‌تواند آنان را در براندازی رژیم کمک کند. بنابراین دستگیری بازاریان و در ادامه شکنجه تا حد مرگ را به جان خریدند تا بتوانند بر ارزش‌های انقلاب پایبند و همراه با مردم در این پیروزی سهیم باشند.

نتیجه‌گیری

تحولات تاریخی ایران همواره موردنقد و بررسی پژوهشگران قرار گرفته است، اما آنچه در تبیین این رخدادها اهمیت بسزایی دارد چگونگی وقوع آنهاست. انقلاب اسلامی ایران یکی از رخدادهای سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش، محسوب می‌شود که عوامل گوناگون در پیروزی آن دخیل بود. درواقع انقلاب اسلامی با کمک همه اقشار جامعه پیش رفت و اکثریت مردم باهم در این راستا همگام و همراه بودند. اصفهان از جمله شهرهایی بود که به‌واسطه وجود اصناف و

نهاد بازار در این پیروزی نقش یاری گرایانه‌ای ایفا و اقدامات مؤثری را انجام دهد. بازاریان به دلیل عدم وابستگی به قدرت و دربار و علاوه بر آن به‌عنوان مولد اقتصاد کشور پیوند ناگسستنی با مردم داشتند. همین عامل مؤلفه مهمی بود که رژیم فشار خود را بر اصناف بیشتر کند لذا اصناف نیز در این مبارزات شیوه‌های مؤثر خود را به کار گرفتند.

این شیوه‌های مبارزه و دسترسی‌های مناسب بازاریان به مردم در تحقق اهدافشان این شبکه را منسجم‌تر و قوی‌تر کرد. آنان با روش‌های گوناگون توانستند تا لحظه‌های پایانی مبارزات خود را در فروپاشی رژیم پهلوی ادامه دهند و از این طریق اهداف و ارزش‌های خود را پایه‌گذاری کنند. اعتصاب کسبه و بازار و تعطیل نمودن دکان‌های خود به‌صورت مستمر یکی از روش‌هایی بود که همگام با دیگر اصناف شکل گرفت. بستن دکان‌ها و مغازه‌ها نشانه یک اعتراض عمومی نسبت به وضعیت موجود بود. البته باید اذعان نمود که آنان با مردم در این امر یاری کردند و نگذاشتند خللی بر رفاه مردم وارد شود.

تأمین مایحتاج عمومی مردم قطع نشد بلکه به‌واسطه خرده‌فروشان و محلی برطرف می‌گردید. اتحاد و یاری بازاریان اصفهان در اعتصاب سراسری آنان را بر آن داشت تا در راه خود مصمم‌تر گردند. پخش اعلامیه مابین افراد از طریق کسبه بازار از جمله روش‌هایی بود که به‌صورت مخفیانه انجام می‌شد. آنان اعلامیه‌ها را دریافت و طی فواصل زمانی در بین مردم و افراد پخش می‌کردند. این عمل بر آگاهی عموم جامعه تأثیر بسزایی داشت. البته شیوه‌هایی که برای پخش اعلامیه نیز در نظر گرفته می‌شد در نوع خود متفاوت بود و حتی زنان نیز در بعضی موارد به آنان نیز کمک می‌کردند. درواقع اصناف با کمک و یاری زنان و دیگر اقشار این را انجام دادند. برپایی مجالس متعدد و دادن آگاهی به عموم جامعه توسط روحانیون و سرشناسان شهر صورت می‌گرفت. منبر به‌عنوان یک رسانه جمعی و سنتی توانست با همبستگی خود مخاطبان بسیاری را در راستای تحقق پیروزی انقلاب اسلامی جذب کند. در این راه نسبتاً طولانی افراد به‌واسطه اقداماتشان صدمات زیادی دیدند، به‌طوری‌که دستگیری آنان و سپس شکنجه به روش‌های مختلف توسط سازمان اطلاعات و امنیت کشور از دیگر راه‌های سرکوب مخالفان پهلوی بود.

این شیوه‌های مختلف مبارزه بازاریان با رژیم پهلوی از جمله روش‌هایی بود که تا ماه‌های پایانی سقوط رژیم پهلوی تأثیرگذار بود. در واقع آنچه اهمیت داشت نقش یاری‌گرایانه آنان در مبارزات مستمر، داشتن اتحاد و همبستگی بین کسبه و روحیه مساعدت و همکاری بود که بازاریان و اصناف اصفهان توانستند ارزش‌ها و عقاید خود را به وسیله آن به اثبات برسانند.

کتابنامه

الف) کتاب

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.

حسین‌زاده فرمی، مهدی، تعامل روحانیت و بازار، تهران: سخنوران، ۱۳۹۳.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۷ و ۹، انتشارات امام رضا، بی‌تا.

روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۴.

روح‌بخش، رحیم، نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک (استان اصفهان)، ج ۳، تهران: مرکز بررسی‌های تاریخی، ۱۳۸۳.

دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر مصطفی میرسلیم، تهران: بازار، ۱۳۷۲.

شفقی، سیروس، بازار بزرگ اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۴.

عابدین درکوش، سعید، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.

فلامکی، محمد منصور، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: فضا، ۱۳۷۱.

فلور، ویلم، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس، ۱۳۶۵.

۵۴ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

گروتیس باخ، آروین، **جغرافیای شهری در افغانستان**، ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.

مؤمنی، مصطفی، «**جایگاه والای بازار تبریز در میان بازارهای جهان اسلام**»، مجموعه مقالات نهمین کنگره جغرافی دانان ایران، تبریز، ۱۳۷۳.

مهرعلیزاده، مهدی، **تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان**، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، اصفهان، ۱۳۸۶.

نصر، عباس، **اصفهان در انقلاب**، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.

ب) مقالات

آدینه‌وند، مسعود، «**تحلیل نقش بازاریان و روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی در قزوین (مبنتی بر نظریه بسیج اجتماعی)**»، نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۷، ۱۴۰۱، صص ۱۰-۳.

ابطحی، علیرضا، کشتی‌آراء، **کیمیا، «واکاوی سیر تحولات انقلاب اسلامی در شهر اصفهان در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۷»**، پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱۰، ش ۴۰، ۱۳۹۴، صص ۳۷-۲۱.

بیگی‌زاده، مرضیه، «**نقش مبارزاتی روحانیون، دانشگاهیان و بازاریان اصفهان از نهضت ملی تا نهضت اسلامی**»، فصلنامه ژرفا پژوه، ش ۶ و ۷، ۱۳۹۴، صص ۱۵۵-۱۳۵.

جان‌مرادی‌جو، علی، «**نقش طبقه متوسط سنتی در تحولات سیاسی ایران: مطالعه موردی دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی با نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو**»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، س ۳، دفتر اول تا چهارم، ش ۵ و ۶، ۱۳۹۸، صص ۱۳۱-۱۵۶.

حاضری، علی‌محمد، «**فرآیند بالندگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی**»، پژوهش‌نامه متین، ش ۱، ۱۳۷۷، صص ۱۵۸-۱۰۷.

میردار، مرتضی، قزل‌ایاق، ایمان حسین، «**فعالیت‌های اجتماعی بازاریان در مسیر سازمان‌بخشی به انقلاب اسلامی**»، دوفصلنامه علمی تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱۰، ش ۲، ۱۳۹۹، صص ۲۴۲-۲۲۳.

ج) روزنامه‌ها

روزنامه رسالت، ۲۱ اسفند ۱۳۶۵.

روزنامه رسالت، ۱۰ اسفند ۱۳۶۵.

روزنامه رسالت، ۱۳ اسفند ۱۳۶۵.

روزنامه رسالت، ۱۲ اسفند ۱۳۶۵.

د) پایان نامه‌ها

شیخی، الیاس، تحلیل و بررسی تشکلهای سیاسی و مذهبی در اصفهان از سال ۴۲ تا ۵۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۱۳۷۵.

ه) مصاحبه‌ها

نم نبات، ا، اصفهان، ۱۴۰۰.

صباغ زاده، م، اصفهان، ۱۴۰۰.

شیرانی بیدآبادی، ح، اصفهان، ۱۴۰۰.

نباتی نژاد، م، اصفهان، ۱۴۰۰.

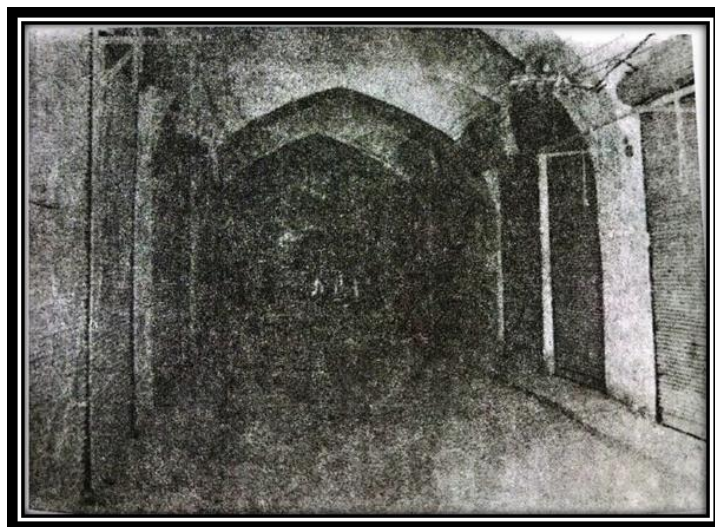
حجه فروش، م، ۱۴۰۰.

موسوی، م، اصفهان، ۱۴۰۰.

معمار (ذکری)، ر، اصفهان، ۱۴۰۰.

اعتصامی، ر، ۱۳۲۲، اصفهان، ۱۴۰۰.

حنایی، م، ۱۳۲۵، اصفهان، ۱۴۰۱.



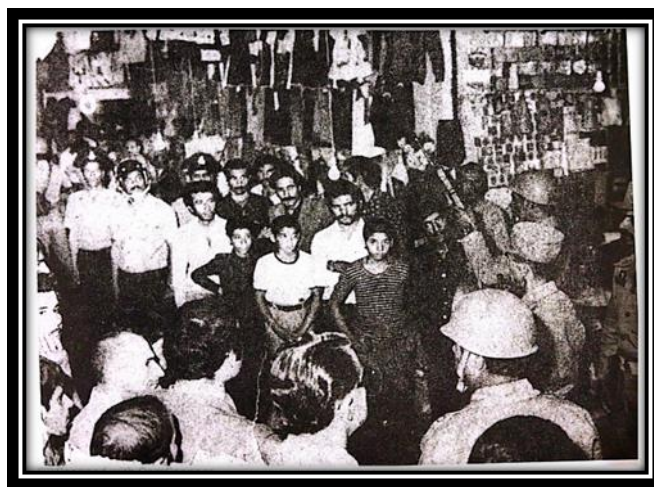
تعطیلی بازار اصفهان در سال ۱۳۵۷

(روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۶۸)



نمونه اعلامیه‌ها، پلاکارد و دست‌نوشته‌ها

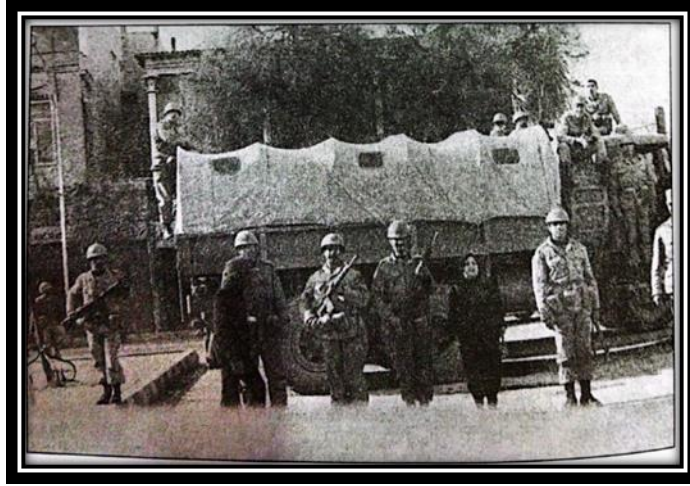
(روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: شماره سند ۲۲۵).



حضور ناجی در بازار اصفهان

(روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۸۸)





مأموران حکومت نظامی در اصفهان

(چهارراه تختی و دروازه دولت)

(روزشمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۲۳)